

رابطه بین کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی در بورس اوراق بهادار تهران

منیژه رامشه^۱

سیدحسین علوی طبری^۲

غریبه اسماعیلی کیا^۳

چکیده

تضاد منافع بین مدیران و سهامداران نیاز به راهبری شرکتی را ایجاد نموده است. کنترل‌های داخلی ابزار بااهمیتی برای بهبود راهبری شرکتی محسوب می‌شوند، محافظه‌کاری نیز مانند کنترل‌های داخلی دارای منافع راهبری متعددی است. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی در بورس اوراق بهادار تهران است. در این مطالعه برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از سه معیار مبتنی بر تغییرات سود، ارقام تعهدی و رابطه بازده سهام و سود استفاده شده است. نمونه شامل ۶۹۰ مشاهده (شرکت-سال) برای دوره زمانی ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۰ است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش‌های رگرسیون چند متغیره برای داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بر اساس معیار تغییرات سود نشان‌دهنده ارتباط مثبت و معنی‌دار میان کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی است. بدین معنی که شرکت‌های دارای ضعف عمده کنترل‌های داخلی، محافظه‌کاری کمتری نسبت به شرکت‌های بدون ضعف عمده دارند. درحالی‌که بر اساس دو معیار دیگر محافظه‌کاری، این رابطه تأیید نمی‌گردد. بنابراین در کل نمی‌توان نوع رابطه بین کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی را استنباط کرد.

واژه‌های کلیدی: کنترل‌های داخلی، محافظه‌کاری شرطی، ضعف‌های عمده در کنترل‌های داخلی

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فریدن و دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)

mramsheh@yahoo.com

^۲ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء

^۳ مدرس دانشگاه ایلام و دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء

۱. مقدمه

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران بعنوان نماینده مالکان (سهامداران)، شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ایجاد می‌گردد. نیاز به نظام راهبری شرکت از تضاد منافع بالقوه بین افراد حاضر در ساختار شرکت ناشی می‌شود. کنترل‌های داخلی به عنوان ابزاری جهت بهبود راهبری شرکتی مورد توجه خاص مقررات‌گذاران قرار گرفته است. ساریبتر آکسلی، شرکتها را ملزم به ارزیابی و افشا و حساب‌رسان را ملزم به اظهارنظر راجع به اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی نموده است. در ایران نیز دستورالعمل کنترل‌های داخلی در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسیده است، که به موجب آن هیئت‌مدیره نسبت به استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش مکلف شده‌اند. همچنین باید سیستم کنترل‌های داخلی را حداقل به طور سالانه بررسی و نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان گزارش کنترل‌های داخلی درج کنند. حساب‌رس مستقل شرکت نیز موظف است در خصوص استقرار و به‌کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش توسط شرکت با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی اظهارنظر کند. مقررات‌گذاران امیدوارند که این الزامات بتواند کیفیت کنترل‌های داخلی را بهبود بخشد و قابلیت اتکای گزارش‌گری مالی را ارتقاء دهد.

با توجه به اهمیت کنترل‌های داخلی به عنوان ابزاری جهت بهبود راهبری شرکتی، پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات کنترل‌های داخلی قوی در مقابل ضعیف، از طریق آزمون رابطه کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی می‌پردازد. علت تمرکز بر محافظه‌کاری این است که در چارچوب حسابداری اثباتی، محافظه‌کاری نیز مانند کنترل‌های داخلی دارای منافع راهبری متعددی نظیر کاهش تضادهای نمایندگی، بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیریتی (هالتاسن و واتس^۱، ۲۰۰۱؛ واتس، ۲۰۰۳؛ بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵)، ارتقای کارایی قراردادهای بدهی (احمد و همکاران^۳، ۲۰۰۲؛ ژانگ^۴، ۲۰۰۸) و کاهش هزینه‌های دعاوی قضایی (واتس، ۲۰۰۳) است.

۲. بیان مسئله

محافظه‌کاری یکی از ویژگیهای گزارشگری مالی است که بدلیل نقش راهبری مهم آن، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. محافظه‌کاری در کاهش تضادهای نمایندگی و افزایش کارایی قراردادهای شرکت‌ها نقش نظارتی مهمی را ایفا می‌نماید (هالتاسن و واتس^۱، ۲۰۰۱؛ واتس، ۲۰۰۳؛ بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵). این بدان علت است که محافظه‌کاری توانایی و انگیزه‌های مدیران را برای بیش‌نمایی سودها و خالص‌داری‌ها و همچنین توانایی آنها را در حفظ اطلاعاتی در مورد زیان‌های مورد انتظار کاهش می‌دهد. این اقدام مانع از پاداش بیش از حد به مدیران می‌شود (گاه و لی^۵، ۲۰۱۱). بطور مشابه، در زمینه قراردادهای بدهی، محافظه‌کاری توانایی مدیریت را برای اجتناب از محدودیت‌های تقسیم سود و انتقال ثروت از دارندگان اوراق قرضه به سهامداران کاهش می‌دهد (احمد و همکاران^۳، ۲۰۰۲ و ژانگ^۴، ۲۰۰۸). بال و شیواکومار (۲۰۰۵) نشان دادند حسابداری محافظه‌کارانه بطور اثربخشی حقوق‌کنترلی مدیران را محدود نموده و این حقوق را به تامین مالی کنندگان شرکت باز می‌گرداند. بر اساس یافته‌های واتس (۲۰۰۳) محافظه‌کاری می‌تواند هزینه‌های دعاوی حقوقی شرکت را کاهش دهد.

مطالعات نشان داده‌اند شکل‌گیری انگیزه‌های موافق و مخالف گزارشگری محافظه‌کارانه تا اندازه‌ای تحت تأثیر محیط قراردادی و راهبری شرکت بوده است. با توجه به اینکه سیستم کنترل داخلی نقش راهبری مهمی در شرکت‌ها برای نظارت بر رفتار مدیریت و حداقل سازی هزینه‌های نمایندگی ایفا می‌نماید (فاما و جنسن^۸، ۱۹۸۳) امکان ارتباط میان کیفیت کنترل‌های داخلی و گزارش‌گری محافظه‌کارانه وجود خواهد داشت. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری شرطی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

۳. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سالهای اخیر به دلیل رسواییهای مالی شرکت‌هایی مانند انرون و وردکام، در تلاش برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران به قابلیت اتکای گزارشگری مالی شرکتها، کنترل‌های داخلی در مرکز توجه قانونگذاران قرار گرفته است. مطالعات مختلف هم نشان داده‌اند که کنترل‌های داخلی اثربخش می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا دهد که از طریق کیفیت اقلام تعهدی و میزان اقلام تعهدی اندازه‌گیری می‌شود (دایل و همکاران^۷، ۲۰۰۷؛ آشباق-اسکایف و همکاران^۸، ۲۰۰۸). بنیش و همکاران^۹ (۲۰۰۸) و آشباق-اسکایف و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند کنترل‌های داخلی اثربخش از طریق کاهش ریسک اطلاعات منجر به هزینه پایین‌تر سرمایه شرکت می‌شود. فینگ و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۹) رابطه‌ای مثبت میان کیفیت کنترل داخلی و دقت رهبری مدیریت یافتند و نشان دادند کنترل داخلی غیرموثر باعث خطا در گزارش مدیریت خواهد شد.

در ادبیات حسابداری تعاریف چندی از محافظه‌کاری به عمل آمده است، باسو^{۱۱} (۱۹۹۷)، محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. دسته‌بندی تعریف محافظه‌کاری عبارت از محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی است. محافظه‌کاری شرطی، محافظه‌کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است یعنی اینکه سودها، اخبار بد را بسیار سریع‌تر از اخبار خوب منعکس می‌نمایند که منجر به شناسایی به موقع‌تر زیان می‌شود، به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری سودزیان یا محافظه‌کاری گذشته‌نگر نیز می‌گویند. اما محافظه‌کاری غیرشرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری الزام نگردیده است. این نوع محافظه‌کاری کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها بواسطه رویه‌های از پیش تعیین شده حسابداری است، محافظه‌کاری مذکور به محافظه‌کاری ترازنامه یا محافظه‌کاری آینده‌نگر معروف است (بنی‌مهد و باغبانی، ۱۳۸۸). در این پژوهش منظور از محافظه‌کاری، محافظه‌کاری شرطی است. همانطور که اشاره شد، انگیزه‌های موافق و مخالف گزارشگری محافظه‌کارانه تا حدودی تحت تأثیر محیط قراردادی و راهبری شرکت بوده است. به عنوان نمونه بال و شیواکومار (۲۰۰۵) یافتند که شرکت‌های سهامی عام نسبت به شرکت‌های خصوصی محافظه‌کارترند و این یافته‌ها را به تفاوت در ساختارهای راهبری و سازوکارهای نظارتی بین این دو نوع شرکت نسبت داده‌اند.

چارچوب نمایندگی نظریه‌های حسابداری اثباتی، منافع قراردادی برای محافظه‌کاری قائل است و در این چارچوب کنترل‌های داخلی قوی می‌تواند برای گزارشگری مالی محافظه‌کارانه ایجاد انگیزه نماید. شرکت‌های با محیط کنترل

داخلی قوی (مثلا هیئت مدیره مدافع حقوق سهامدار یا شرکتی که فرهنگ حداکثرسازی سود داشته باشد)، نقش محافظه کاری را در کاهش تضادهای نمایندگی، بستن قراردادهای و کاهش ریسک های دعاوی حقوقی با مدیران و حسابرسان بهتر درک کرده، لذا از اجرای محافظه کاری حمایت می کند (گاه ولی، ۲۰۱۱).

هر قدر شرکت ها منافع محافظه کاری را بهتر درک کنند، تمایل بیشتری برای گزارش های محافظه کارانه خواهند داشت. کنترل های داخلی قوی می تواند با فراهم کردن اطلاعات حسابداری قابل اتکا، استفاده از محافظه کاری را در فرآیندهای قراردادی و تهیه گزارش های محافظه کارانه تسهیل نماید. این بدان دلیل است که سیستم گزارشگری مالی از طریق تأکید بر خروجی های قابل تأیید، مجموعه ای غنی از متغیرهای قابل استفاده در اهداف قراردادی فراهم می نماید. برای نمونه، شرایط مالی بکار رفته در قراردادهای بدهی به منظور محدود نمودن اختیار مدیریت در رابطه با توزیع سود (احمد و همکاران، ۲۰۰۲) اغلب بر حسب ارقام حسابداری تعریف می شوند.

کنترل های داخلی ضعیف منجر به خطاهای غیر عمدی در اعداد حسابداری می شود. برای نمونه، فقدان سیستم مناسب مغایرت گیری منجر به خطا در برآورد اقلام تعهدی می شود (دایل و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین فقدان خط مشی های مناسب و آموزش ناکافی کارکنان شرکت می تواند اقلام تعهدی غیر عادی را تحت تأثیر قرار دهد (آشباق-اسکایف و همکاران، ۲۰۰۸). خطا در برآوردها به خودی خود نمی تواند منجر به محافظه کاری کمتر شود، بلکه این خطاها منجر می شود اطلاعات مورد نیاز برای اهداف نظارت و بستن قراردادهای، قابلیت اتکای کمتری داشته باشد. این امر اثربخشی محافظه کاری را بعنوان یک سازوکار نظارتی کاهش داده و بنابراین انگیزه برای اجرای آن را نیز کاهش می دهد.

در آخر باید توجه داشت که کنترل های داخلی ضعیف مانع از شناسایی به موقع زیان شده که منجر به محافظه کاری کمتر می گردد. برای نمونه، فقدان رویه های مناسب ارزشگذاری منظم موجودیهای شرکت یا دارایی های ثابت مانع از شناسایی به موقع دارایی های آسیب دیده شده و بنابراین شناسایی زیانها را به تأخیر می اندازد. کارکنان حسابداری فاقد صلاحیت، ممکن است مهارت برآورد جریانهای نقدی آتی دارایی ها نظیر سرقفلی و شناسایی کاهش جریانهای نقد آتی ناشی از زیانهای دارایی های آسیب دیده را نداشته باشند. کنترل های داخلی ضعیف در نظارت بر تصمیمات سرمایه گذاری شرکت هم می تواند مانع از انگیزه شناسایی به موقع زیان در پروژه های سرمایه گذاری توسط مدیران شود (گاه ولی، ۲۰۱۱).

خارج از چارچوب نمایندگی تئوری حسابداری اثباتی که منافع قراردادی برای محافظه کاری قائل است، ارتباط مثبت میان کیفیت کنترل های داخلی و محافظه کاری روشن نیست. برای این موضوع می توان دلایلی به شرح زیر برشمرد. نخست اینکه برخی پژوهشگران نشان داده اند که محافظه کاری، مدیریت سود را افزایش داده (لویت^{۱۲}، ۱۹۹۸؛ پنمن و ژانگ^{۱۳}، ۲۰۰۲) که این امر تضادهای نمایندگی را افزایش می دهد. بنابراین با پذیرش این مطلب که کنترل های داخلی قوی بعنوان یک سازوکار نظارتی موثر برای کاهش تضادهای نمایندگی عمل می کند، باید انتظار داشت که کنترل های داخلی قوی منجر به بی میلی شرکت ها برای تهیه گزارشات محافظه کارانه گردد. بعلاوه محافظه کاری به عنوان ویژگی مطلوب گزارشگری مالی قابل بحث است. در چارچوب استانداردهای حسابداری بین المللی، محافظه کاری یک ویژگی کیفی محسوب نمی شود زیرا تأکید این چارچوب بر بی طرفانه بودن اطلاعات حسابداری است. محافظه کاری با گزارش عمدی کمتر از واقع ارزش دفتری دارایی یا سود، صورتهای مالی بی طرفانه ارائه نمی دهد. لذا بر اساس موضوع

مربوط بودن اطلاعات به تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران که تأکید بر گزارش اطلاعات بی‌طرفانه دارد، این بحث بی‌اساس به نظر می‌رسد که کنترل‌های داخلی قوی، حسابداری محافظه‌کارانه را بهبود می‌بخشد (فینگ و همکاران، ۲۰۰۹). گاه و لی (۲۰۱۱) با استفاده از ۱۱۴۶ مشاهده شرکت-سال به بررسی ارتباط میان کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی برای شرکت‌هایی پرداختند که بر اساس الزامات قانون سارینز اکسلی حداقل یک مورد ضعف عمده در کنترل‌های داخلی گزارش نموده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد شرکت‌های با ضعف عمده نسبت به شرکت‌های کنترل محافظه‌کاری کمتری داشته‌اند، لذا رابطه مثبت بین کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری تأیید گردید. همچنین نتایج نشان داد شرکت‌های با ضعف عمده که متعاقباً اقدام به اصلاح آن نموده‌اند نسبت به شرکت‌هایی که همچنان ضعف عمده داشته‌اند، محافظه‌کاری بیشتری دارند.

با توجه به دیدگاه‌های متضاد در خصوص ارتباط محافظه‌کاری و کیفیت کنترل‌های داخلی، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این رابطه در ایران است. به‌رغم پژوهش‌های بسیاری که در ایران در حوزه محافظه‌کاری انجام شده (مهرانی و همکاران ۱۳۸۹، کردستانی و امیریگی‌لنگرودی ۱۳۸۷، ...)، به دلیل فقدان یک آیین‌نامه مدون در زمینه کیفیت کنترل‌های داخلی تاکنون پژوهشی در ایران در زمینه رابطه بین کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری انجام نشده است.

۴- سؤال‌های پژوهش

بر اساس دیدگاه‌های متضاد در مورد ارتباط بین کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری، سؤال‌های پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌شود:

سؤال اول: آیا رابطه معنی‌داری بین کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری وجود دارد؟

سؤال دوم: آیا شرکت‌های با کنترل‌های داخلی ضعیف که متعاقباً بهبود در کنترل‌های داخلی دارند، در مقایسه با شرکت‌هایی که بهبود در کنترل‌های داخلی ندارند، هیچ تفاوتی را در محافظه‌کاری نشان می‌دهند؟

۵- فرضیه‌های پژوهش

به منظور دستیابی به اهداف پژوهش و پاسخ به سؤالات مطرح شده، فرضیه‌ها به شرح ذیل ارائه می‌شود:

فرضیه اول: بین کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه دوم: شرکت‌های با کنترل‌های داخلی ضعیف که متعاقباً بهبود در کنترل‌های داخلی دارند، در مقایسه با شرکت‌هایی که بهبود در کنترل‌های داخلی ندارند، محافظه‌کاری بیشتری نشان می‌دهند.

۶. روش‌شناسی پژوهش

۱,۶. جامعه آماری و نمونه پژوهش

نمونه مورد بررسی از شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۰ در بورس عضویت دارند، با اعمال چهار معیار گزینشی انتخاب گردید. این معیارها عبارتند از: (۱) سال مالی آنها منتهی به

پایان اسفند ماه باشد. ۲) امکان دسترسی به اطلاعات آنها وجود داشته باشد. ۳) طی دوره پژوهش تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشند. ۴) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشند. با توجه به محدودیت‌های فوق تعداد ۶۹۰ شرکت - سال حائز تمامی شرایط بودند. برای تعیین شرکت‌هایی که در دوره زمانی مذکور ضعف عمده در کنترل داخلی داشته‌اند، گزارش حسابرس مستقل شرکت‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. ۱۸۵ مشاهده (شرکت - سال) دارای حداقل یک ضعف عمده و ۵۰۵ مشاهده (شرکت - سال) فاقد ضعف عمده بوده و گروه کنترل را تشکیل دادند.

برای آزمون فرضیه دوم شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش، حداقل یک سال ضعف عمده داشتند انتخاب شده و اطلاعات آنها برای سالهای بعد از گزارش ضعف عمده (در چارچوب دوره پژوهش) مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب نمونه مربوط به آزمون فرضیه دوم شامل ۲۷۶ مشاهده شرکت - سال است که از این تعداد، ۵۴ مشاهده اقدام به اصلاح ضعف عمده ای که در سال قبل در گزارش حسابرس مستقل ذکر شده بود، کرده‌اند.

۲,۶. متغیرها و مدل‌های پژوهش

یکی از متغیرهای اصلی مطالعه حاضر، کیفیت سیستم کنترل داخلی در شرکت‌ها بوده است. برای قضاوت در مورد کیفیت کنترل‌های داخلی و میزان اثربخشی آن، ضعف‌های عمده کنترل داخلی که در گزارش‌های حسابرس مستقل ارائه شده، مورد توجه قرار گرفت. دلیل این کار نبود قانون و دستورالعمل مدون در رابطه با شناسایی و گزارشگری ضعف‌های عمده در کنترل‌های داخلی در دوره مورد بررسی (۱۳۸۵-۱۳۸۹) بوده است. بدین منظور برای شناسایی نوع ضعف‌های عمده که در گزارش حسابرسی درج می‌شود از حسابرسان سازمان حسابرسی نظرسنجی گردید. برای انجام نظرسنجی مذکور بطور تصادفی از حسابرسان در سطوح مختلف رتبه‌های شغلی، سوالی با این مضمون پرسیده شد: با توجه به تجربه خود در زمینه تدوین گزارش حسابرسی، ضعف‌های کنترل داخلی که اغلب در گزارش حسابرسی ذکر شده‌اند، چه مواردی هستند. بدین ترتیب با مشخص شدن نوع ضعف‌های غالب از دیدگاه حسابرسان، گزارش‌های حسابرسی مستقل شرکت‌های نمونه جهت تعیین وجود یا عدم وجود ضعف‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفت.

در این پژوهش از سه روش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری استفاده شده است:

معیار محافظه‌کاری مبتنی بر تغییرات سود (باسو، ۱۹۹۷)

باسو (۱۹۹۷) با استفاده از دیدگاه سری‌زمانی در اندازه‌گیری محافظه‌کاری، که در آن فرض می‌شود، سود حسابداری یک دوره به دلیل تعویق در شناسایی اخبار خوب، به دوره‌های قبل وابسته است، مدل پایداری تغییرات سود را ارائه نمود:

$$\Delta NI_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta NI_{i,t-1} + \alpha_2 \Delta NI_{i,t-1} + \alpha_3 D \Delta NI_{i,t-1} * \Delta NI_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

در این مدل، ΔNI_t و ΔNI_{t-1} ، تغییر در سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه در سال t (ت-۱) تقسیم بر کل دارایی‌ها در ابتدای سال و $D \Delta NI_{t-1}$ ، متغیر مجازی است. در صورت منفی بودن ΔNI_{t-1} ، برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است. محافظه‌کاری به این معنی است که اخبار بد منعکس شده در سود جاری به صورت شوک موقتی در

سری سودها ظاهر می‌شود، در حالی که اثرات سودهای مثبت پیش‌بینی شده جاری به یکباره شناسایی نمی‌شوند بلکه به تدریج و همزمان با تحقق در سودهای دوره‌های آتی منعکس می‌شود. به تعویق انداختن شناسایی اخبار خوب منجر به پایداری کمتر تغییرات منفی سود نسبت به تغییرات مثبت آن است. بنابراین منفی بودن α_3 نشان‌دهنده محافظه‌کاری است.

برای آزمون فرضیه اول مدل فوق بصورت زیر بسط داده شده است:

$$\begin{aligned} \Delta NI_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 D\Delta NI_{i,t-1} + \alpha_2 \Delta NI_{i,t-1} + \alpha_3 D\Delta NI_{i,t-1} * \Delta NI_{i,t-1} + \alpha_4 MW \\ & + \alpha_5 D\Delta NI_{i,t-1} * MW + \alpha_6 \Delta NI_{i,t-1} * MW + \alpha_7 D\Delta NI_{i,t-1} * \Delta NI_{i,t-1} \\ & * MW + \alpha_8 MB_{i,t} + \alpha_9 D\Delta NI_{i,t-1} * MB_{i,t} + \alpha_{10} \Delta NI_{i,t-1} * MB_{i,t} \\ & + \alpha_{11} D\Delta NI_{i,t-1} * \Delta NI_{i,t-1} * MB_{i,t} + \alpha_{12} LEV_{i,t} + \alpha_{13} D\Delta NI_{i,t-1} \\ & * LEV_{i,t} + \alpha_{14} \Delta NI_{i,t-1} * LEV_{i,t} + \alpha_{15} D\Delta NI_{i,t-1} * \Delta NI_{i,t-1} * LEV_{i,t} \\ & + \alpha_{16} SIZE_{i,t} + \alpha_{17} D\Delta NI_{i,t-1} * SIZE_{i,t} + \alpha_{18} \Delta NI_{i,t-1} * SIZE_{i,t} \\ & + \alpha_{19} D\Delta NI_{i,t-1} * \Delta NI_{i,t-1} * SIZE_{i,t} \end{aligned} \quad (2)$$

که MW متغیر مجازی است، در صورت وجود ضعف عمده در کنترل داخلی برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است. اگر رابطه مستقیم (معکوس) میان کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری وجود داشته باشد انتظار می‌رود α_7 مثبت (منفی) باشد.

برای آزمون فرضیه دوم نیز از مدل شماره ۲ استفاده می‌شود، با این تفاوت که بجای متغیر مجازی MW از متغیر مجازی $FIXED$ استفاده می‌شود. اگر شرکت اقدام به اصلاح ضعف عمده نموده باشد (گزارش حسابرس مستقل فاقد بند مربوط به ضعف عمده باشد) برابر با یک و در غیر اینصورت صفر است. ضریب منفی (مثبت) متغیر $FIXED * \Delta NI_{i,t-1} * D\Delta NI_{i,t-1}$ نشان می‌دهد شرکت‌های حاوی ضعفهای عمده که اقدام به اصلاح آنها کرده‌اند محافظه‌کاری بیشتری (کمتری) دارند.

معیار محافظه‌کاری مبتنی بر اقلام تعهدی (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵)

بال و شیواکومار (۲۰۰۵) روشی با استفاده از اقلام تعهدی برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری ارائه کردند. آنها با استفاده از رابطه رگرسیونی زیر بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی دریافتند که در صورت وجود زیان‌های عملیاتی ارتباط اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی قویتر است و این معیاری از رفتار محافظه‌کارانه است.

$$ACCRUAL_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 DCFO_{i,t} + \gamma_2 CFO_{i,t} + \gamma_3 DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} \quad (3)$$

در این مدل، $ACCRUAL$ ، سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه منهای جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در ابتدای سال؛ CFO ، جریان‌های نقدی عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در ابتدای سال و $DCFO$ ، متغیر مجازی است. در صورت منفی بودن جریان نقد عملیاتی، برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است. محافظه‌کاری به این معنی است که هنگام وجود جریان‌های نقدی منفی، اقلام تعهدی نیز به دلیل شناسایی سریع‌تر زیان‌های تحقق نیافته، با احتمال بیشتری منفی هستند؛ در حالی که این رابطه هنگام وجود جریان‌های نقدی مثبت وجود

ندارد. بنابراین مثبت بودن γ_3 نشان‌دهنده وجود محافظه‌کاری است. برای آزمون فرضیه اول مدل فوق بصورت زیر بسط داده شده است:

$$\begin{aligned}
 ACCRUAL_{i,t} = & \gamma_0 + \gamma_1 DCFO_{i,t} + \gamma_2 CFO_{i,t} + \gamma_3 DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} + \gamma_4 MW \\
 & + \gamma_5 DCFO_{i,t} * MW + \gamma_6 CFO_{i,t} * MW + \gamma_7 DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} * MW \\
 & + \gamma_8 MB_{i,t} + \gamma_9 DCFO_{i,t} * MB_{i,t} + \gamma_{10} CFO_{i,t} * MB_{i,t} + \gamma_{11} DCFO_{i,t} \\
 & * CFO_{i,t} * MB_{i,t} + \gamma_{12} LEV_{i,t} + \gamma_{13} DCFO_{i,t} * LEV_{i,t} + \gamma_{14} CFO_{i,t} \\
 & * LEV_{i,t} + \gamma_{15} DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} * LEV_{i,t} + \gamma_{16} SIZE_{i,t} + \gamma_{17} DCFO_{i,t} \\
 & * SIZE_{i,t} + \gamma_{18} CFO_{i,t} * SIZE_{i,t} + \gamma_{19} DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} \\
 & * SIZE_{i,t}
 \end{aligned} \quad (4)$$

اگر رابطه مستقیم (معکوس) میان کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری وجود داشته باشد انتظار می‌رود γ_7 منفی (مثبت) باشد. در آزمون فرضیه دوم ضریب مثبت (منفی) متغیر $DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} * FIXED$ نشان می‌دهد شرکت‌های حاوی ضعفهای عمده که اقدام به اصلاح آنها کرده‌اند محافظه‌کاری بیشتری (کمتری) دارند.

معیار محافظه‌کاری مبتنی بر رابطه بازده سهام و سود (باسو، ۱۹۹۷)

باسو (۱۹۹۷) با بکارگیری بازده سهام برای اندازه‌گیری اخبار توانست میزان عدم تقارن زمانی در شناسایی اخبار بد و اخبار خوب را بعنوان معیاری از رفتار محافظه‌کارانه مورد آزمون قرار دهد، زیرا این تفسیر از محافظه‌کاری رابطه سود-بازده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو باسو (۱۹۹۷) با استفاده از رابطه رگرسیونی زیر بین سود و بازده سهام دریافت که پاسخ سود نسبت به اخبار بد (بازده منفی سهام) به هنگام تر از پاسخ سود نسبت به اخبار خوب (بازده مثبت سهام) است.

$$NI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 DR_{i,t} + \beta_2 R_{i,t} + \beta_3 DR_{i,t} * R_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (5)$$

در این رابطه، NI ، سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه تقسیم بر ارزش بازار شرکت، R ، بازده سهام تعدیل شده بر اساس بازار (بازده سهام منهای بازده بازار) و DR متغیر مجازی است، در صورتیکه اخبار بد وجود داشته باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است. باسو (۱۹۹۷)، β_3 را ضریب عدم تقارن زمان سود نامید و بدین ترتیب معیار عدم تقارن زمانی سود را معیاری برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری معرفی کرد. مثبت بودن این ضریب نشانه وجود محافظه‌کاری است. برای آزمون فرضیه اول مدل فوق بصورت زیر بسط داده شده است:

$$\begin{aligned}
 NI_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 DR_{i,t} + \beta_2 R_{i,t} + \beta_3 DR_{i,t} * R_{i,t} + \beta_4 MW + \beta_5 DR_{i,t} * MW + \beta_6 R_{i,t} \\
 & * MW + \beta_7 DR_{i,t} * R_{i,t} * MW + \beta_8 MB_{i,t} + \beta_9 DR_{i,t} * MB_{i,t} + \beta_{10} R_{i,t} \\
 & * MB_{i,t} + \beta_{11} DR_{i,t} * R_{i,t} * MB_{i,t} + \beta_{12} LEV_{i,t} + \beta_{13} DR_{i,t} * LEV_{i,t} \\
 & + \beta_{14} R_{i,t} * LEV_{i,t} + \beta_{15} DR_{i,t} * R_{i,t} * LEV_{i,t} + \beta_{16} SIZE_{i,t} + \beta_{17} DR_{i,t} \\
 & * SIZE_{i,t} + \beta_{18} R_{i,t} * SIZE_{i,t} + \beta_{19} DR_{i,t} * R_{i,t} * SIZE_{i,t}
 \end{aligned} \quad (6)$$

اگر رابطه مستقیم (معکوس) میان کیفیت کنترل داخلی و محافظه‌کاری وجود داشته باشد انتظار می‌رود β_7 منفی (مثبت) باشد. در فرضیه دوم ضریب مثبت (منفی) متغیر $DR_{i,t} * R_{i,t} * FIXED$ نشان می‌دهد شرکت‌های حاوی ضعف عمده که اقدام به اصلاح آنها کرده‌اند محافظه‌کاری بیشتری (کمتری) دارند.

متغیرهای کنترل در این پژوهش عبارتند از: ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MB). این متغیر به منظور کنترل تقاضا برای محافظه کاری بدلیل عدم تقارن اطلاعات ناشی از اختیار رشد شرکت در نظر گرفته شده است. مجموع بدهیها تقسیم بر مجموع داراییها (LEV). در شرکتهای با تسبب اهرمی بزرگتر، تضادها بین سهامداران و دارندگان اوراق قرضه شدیدتر است که منجر به تقاضای بیشتر برای محافظه کاری می شود (احمد و همکاران، ۲۰۰۲). لگاریتم طبیعی کل داراییها (SIZE). بر اساس فرضیه هزینه سیاسی، شرکت های بزرگ که تحت فشارهای سیاسی هستند، انگیزه بیشتری برای حسابداری محافظه کارانه دارند. بر اساس فرضیه تأثیر تجمعی رویدادها، بازده شرکت های بزرگ کمتر تحت تأثیر وقوع یک رویداد خاص (انتشار خبر خوب یا بد) قرار گیرد در نتیجه محافظه کاری در شرکت های بزرگ کمتر خواهد بود (گیوالای و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۷). بر اساس فرضیه افشا (عدم تقارن اطلاعاتی)، چون شرکت های بزرگ اغلب مبادرت به ارائه اطلاعات عمومی بیشتری می نمایند، عدم تقارن اطلاعاتی در آنها کمتر است و این باعث کاهش تقاضا برای حسابداری محافظه کارانه در آنها می شود (لافوند و واتس^{۱۵}، ۲۰۰۸).

۷. تجزیه و تحلیل نتایج

۷.۱. آمار توصیفی

جدول ۱ آمارهای توصیفی برای شرکت های دارای حداقل یک ضعف عمده در کنترل های داخلی و شرکت های کنترل را به تفکیک ارائه می دهد. شرکت های دارای حداقل یک ضعف عمده حاوی ۱۸۵ مشاهده شرکت - سال و شرکت های کنترل متشکل از ۵۰۵ مشاهده شرکت - سال طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است. جدول نشان می دهد شرکت های دارای ضعف عمده نسبت به شرکت های کنترل، کوچکتر، دارای اهرم بالاتر و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری کوچکتری دارند. بعلاوه شرکت های دارای ضعف عمده در کنترل داخلی، بازده سهام تعدیل شده کوچکتر، جریان نقد عملیاتی کوچکتر و تغییرات منفی بیشتری در سود خالص در سال t نسبت به گروه کنترل دارند.

جدول ۱- آمار توصیفی

شرکت های دارای حداقل یک ضعف عمده (۱۸۵ شرکت-سال)			شرکت های بدون ضعفهای عمده (۵۰۵ شرکت-سال)			متغیرها
میانگین	میان	انحراف معیار	میانگین	میان	انحراف معیار	
-۰/۰۰۰۰۱۸۵۸	۰/۰۰۲۷۲۵	۰/۰۹۱۵۰	۰/۰۱۱۸۵	۰/۰۰۹۵۹	۰/۰۷۷۱۶	ΔNI_t
۰/۰۰۱۱۲۹	۰/۰۰۳۷۴۶	۰/۰۸۷۷۶	۰/۰۱۲۴۳	۰/۰۰۸۶۶	۰/۰۸۳۸۸	ΔNI_{t-1}
-۰/۰۳۵۹۵	-۰/۰۲۹۶۴	۰/۱۳۳۲۲	-۰/۰۳۳۹۱	-۰/۰۳۹۳۳	۰/۱۶۳۷	ACCRUAL
۰/۱۱۱۵۲	۰/۰۹۰۸۴	۰/۱۴۳۴۸	۰/۱۵۶۹۳	۰/۱۳۴۴	۰/۱۸۳۱۶	CFO
۰/۰۶۱۰۵	۰/۱۳۹۲۱	۰/۴۱۹۵۶	۰/۱۲۵۹۷	۰/۱۶۰۲۰	۰/۳۱۲۷۷	NI
-۰/۰۴۰۸۳۵	-۰/۰۲۶۴	۴/۴۳۷۵	۰/۰۶۰۳۳	-۰/۰۱۵۱۴	۵/۰۸۷۵	R
۰/۰۴۴۰	۱/۲۲۱۵	۷/۸۰۸۹	۱/۲۷۵۶	۱/۳۴۳۵۱	۵/۸۰۹	MB

۰/۲۱۳۳	۰/۶۱۵۷	۰/۶۱۵۳	۰/۲۱۲۵	۰/۶۵۹۴	۰/۶۶۷۶	LEV
۰/۵۷۵۹	۵/۷۷۸۱	۵/۸۳۴۶	۰/۵۹۶۹	۵/۶۵۴۳	۵/۷۵۳۷	SIZE

۲.۷. آمار استنباطی

در جداول شماره ۲ تا ۵ نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است. برای بررسی رابطه هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، از آماره t استیودنت و برای بررسی رابطه کلی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، از آماره F فیشر استفاده گردید. مقادیر آماره F فیشر نشان می‌دهد هر شش مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار هستند، از این رو می‌توان گفت متغیرهای توضیحی پژوهش از عوامل مؤثر بر شاخص‌های مختلف محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران هستند. به منظور بررسی همسانی واریانس جمله اخلاص مدلها از آزمون بروش‌پاگان-کووک ویزبرگ استفاده گردید. بر اساس نتایج این آزمون، مقدار احتمال آماره مربوط در همه مدلها کوچکتر از ۵ درصد و نشان‌دهنده وجود ناهمسانی واریانس است. لذا از دستور Robust برای تصحیح ناهمسانی استفاده شد. به منظور بررسی خودهمبستگی میان اجزاء خطا، از آزمون دورین واتسن استفاده شد. آماره دورین واتسن در هر شش مدل در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته که حاکی از عدم خودهمبستگی میان اجزاء خطا است. جهت بررسی هم‌خطی از دستور VIF استفاده شد، که با توجه به آنکه مقادیر VIF برای متغیرهای توضیحی، کمتر از ۱۰ است نیاز به رفع همخطی وجود ندارد.

در جدول ۲ نتایج رگرسیون بر مبنای معیار مبتنی بر تغییرات سود ارائه شده است. ابتدا رگرسیون پایه بدون MW و عبارات مرتبط برازش گردید. این کار ارزیابی قدرت توضیحی کیفیت کنترل‌های داخلی بر محافظه‌کاری را زمانی که MW و عبارات مرتبط با آن در مدل وارد می‌شود، امکان‌پذیر می‌سازد. بر اساس نتایج برازش رگرسیون پایه ضریب متغیر $\Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1}$ مثبت و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست که نشان می‌دهد در کل گزارشگری مالی در نمونه مورد بررسی محافظه‌کارانه نیست. پس از برازش رگرسیون پایه، با اضافه کردن MW عبارات مرتبط با آن رگرسیون اصلی برآورد گردید که نتایج آن در ستون دوم جدول شماره ۲ گزارش شده است. با اضافه کردن این متغیرها ضریب تعیین تعدیل شده مدل از ۰/۱۳ به ۰/۱۵ افزایش می‌یابد. این مطلب نشان می‌دهد کیفیت کنترل‌های داخلی در کنار سایر متغیرهای تأثیرگذار بر تقاضا برای محافظه‌کاری، قدرت توضیحی فزاینده برای محافظه‌کاری فراهم می‌کند. ضریب مثبت و معنی‌دار متغیر $MW * \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1}$ نشان می‌دهد شرکت‌های دارای ضعف عمده در کنترل‌های داخلی محافظه‌کاری کمتری نسبت به شرکت‌های کنترل دارند. این نتیجه موید ارتباط مثبت بین کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری است.

جدول ۲- نتایج رگرسیون با استفاده از معیار مبتنی بر تغییرات سود

رگرسیون کامل		رگرسیون پایه		
آماره t (احتمال)	ضریب	آماره t (احتمال)	ضریب	
(۰/۳۵۰) ۰/۹۳	۰/۰۶۲۰	(۰/۳۶۲) ۰/۹۱	۰/۰۶۲۲	عرض از مبدا
(۰/۷۴۲) ۰/۳۳	۰/۰۳۰۴	(۰/۷۸۹) ۰/۲۷	۰/۰۲۸۵۲	$D\Delta NI_{t-1}$

(۰/۰۴۱) ۲/۰۵	۱/۶۷۳۱	(۰/۰۶۱) ۱/۸۸	۱/۵۴۱۶	ΔNI_{t-1}
(۰/۹۰۳) ۰/۱۲	۰/۱۶۵۹	(۰/۷۵۰) ۰/۳۲	۰/۴۱۸۵۶	$D\Delta NI_{t-1} * \Delta NI_{t-1}$
(۰/۰۸۶) ۱/۷۲	۰/۰۲۲۹			MW
(۰/۱۰۴) -۱/۶۳	-۰/۰۳۱۰			$D\Delta NI_{t-1} * MW$
(۰/۰۰۲) -۳/۰۴	-۰/۵۱۵۳			$\Delta NI_{t-1} * MW$
(۰/۰۱۷) ۲/۳۸	۰/۵۵۴۷			$D\Delta NI_{t-1} * \Delta NI_{t-1} * MW$
(۰/۱۹۰) ۱/۳۱	۰/۰۰۰۸	(۰/۲۷۴) ۱/۰۹	۰/۰۰۰۸۱	MB_t
(۰/۰۶۵) ۱/۸۵	۰/۰۰۹۰	(۰/۰۷۱) ۱/۸۱	۰/۰۰۸۸۶	$D\Delta NI_{t-1} * MB_t$
(۰/۰۰۰) -۳/۶۶	-۰/۰۵۶۳	(۰/۰۰۰) -۳/۵۵	-۰/۰۵۵۰۳	$\Delta NI_{t-1} * MB_t$
(۰/۰۰۰) ۳/۶۸	۰/۱۰۷۷	(۰/۰۰۰) ۳/۵۷	۰/۱۰۴۹۶	$D\Delta NI_{t-1} * \Delta NI_{t-1} * MB_t$
(۰/۲۳۹) -۱/۱۸	-۰/۰۳۷۳	(۰/۳۷۵) -۰/۸۹	-۰/۰۲۸۹۷	LEV_t
(۰/۲۷۶) -۱/۰۹	-۰/۰۴۶۸	(۰/۱۸۰) -۱/۳۴	-۰/۰۵۷۶۶	$D\Delta NI_{t-1} * LEV_t$
(۰/۰۰۰) -۳/۸۴	-۱/۵۲۸۳	(۰/۰۰۰) -۴/۵۴	-۱/۷۸۰۶	$\Delta NI_{t-1} * LEV_t$
(۰/۰۷۳) ۱/۸۰	۰/۸۱۶۹	(۰/۰۲۰) ۲/۳۳	۱/۰۳۶۶۰	$D\Delta NI_{t-1} * \Delta NI_{t-1} * LEV_t$
(۰/۷۱۹) -۰/۳۶	-۰/۰۰۳۹	(۰/۷۲۲) -۰/۳۶	-۰/۰۰۳۹۳	$SIZE_t$
(۰/۷۵۴) -۰/۳۱	-۰/۰۰۴۷	(۰/۷۶۴) -۰/۳۰	-۰/۰۰۴۴۸	$D\Delta NI_{t-1} * SIZE_t$
(۰/۲۸۴) -۱/۰۷	-۰/۱۳۹۳	(۰/۳۸۶) -۰/۸۷	-۰/۱۱۲۹۳	$\Delta NI_{t-1} * SIZE_t$
(۰/۵۴۵) -۰/۶۱	-۰/۱۳۰۳	(۰/۴۱۸) -۰/۸۱	-۰/۱۷۰۱۸	$D\Delta NI_{t-1} * \Delta NI_{t-1} * SIZE_t$
(۰/۰۰۰۰) ۶/۰۶		(۰/۰۰۰۰) ۶/۵۶		آماره F فیشر (احتمال)
۰/۱۵۰۴		۰/۱۳۴۳		ضریب تعیین تعدیل شده
(۰/۰۰۰۰) ۴۱۰/۲۱		(۰/۰۰۰۰) ۴۵۷/۸۹		آماره χ^2 آزمون بروس پاگان (احتمال)
۱/۷۲		۱/۶۷		آماره دورین واتسن

تحلیل مشابه با استفاده از معیار مبتنی بر اقلام تعهدی انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است. نتایج برازش رگرسیون پایه نشان می‌دهد ضریب متغیر $DCFO * CFO$ مثبت و معنی‌دار بوده که حاکی از گزارشگری محافظه کارانه است. با اضافه کردن MW و عبارات مرتبط به رگرسیون پایه، ضریب تعیین تعدیل شده مدل از ۰/۷۳ به ۰/۷۵ افزایش یافته که نشان می‌دهد کیفیت کنترل‌های داخلی قدرت توضیحی فزاینده برای سطح محافظه کاری یک شرکت فراهم می‌کند. در ستون دوم از جدول شماره ۳ نتایج برازش رگرسیون اصلی ارائه شده است. ضریب مثبت و معنی‌دار متغیر $DCFO * CFO * MW$ مویید این مطلب است که شرکت‌های دارای ضعف عمده محافظه کاری بیشتری نسبت به شرکت‌های کنترل دارند. لذا بر اساس معیار دوم محافظه کاری، نتایج حاکی از ارتباط منفی میان کیفیت کنترل داخلی و محافظه کاری است.

جدول ۳- نتایج رگرسیون با استفاده از معیار مبتنی بر ارقام تعهدی

رگرسیون کامل		رگرسیون پایه		
ضریب	آماره t (احتمال)	ضریب	آماره t (احتمال)	
				عرض از مبدا
۰/۱۳۸۸	۲/۳۲ (۰/۰۲۱)	۰/۱۱۲۸	۱/۹۰ (۰/۰۵۸)	
-۰/۱۰۴۶	-۰/۶۱ (۰/۵۴۲)	-۰/۰۴۱۲	-۰/۲۵ (۰/۸۰۶)	DCFO
-۰/۰۰۷۲	-۰/۰۳ (۰/۹۷۹)	۰/۰۸۷۴	۰/۳۲ (۰/۷۴۷)	CFO
۲/۳۹۲۰	۲/۰۴ (۰/۰۴۱)	۲/۲۰۹۷	۲/۰۱ (۰/۰۴۵)	DCFO * CFO
-۰/۰۲۷۶	-۲/۲۳ (۰/۰۲۶)			MW
۰/۰۵۰۹	۱/۷۲ (۰/۰۸۶)			DCFO * MW
۰/۰۷۵۵	۲/۰۷ (۰/۰۴)			CFO * MW
۰/۲۲۵۶	۲/۱۷ (۰/۰۳۲)			DCFO * CFO * MW
۰/۰۰۰۴	۰/۱۹ (۰/۸۴۸)	۰/۰۰۰۷	۰/۶۱ (۰/۵۴۳)	MB _t
-۰/۰۰۰۲	-۰/۲۱ (۰/۸۳۳)	-۰/۰۰۰۷	-۰/۵۷ (۰/۵۶۶)	DCFO * MB
۰/۰۰۷۹	۱/۴۶ (۰/۱۴۴)	۰/۰۰۶۴	۱/۲۰ (۰/۲۳۱)	CFO * MB
-۰/۰۰۵۹	-۰/۶۱ (۰/۵۴۳)	-۰/۰۰۵۰	-۰/۳۹ (۰/۶۹۴)	DCFO * CFO * MB
-۰/۲۳۴۸	-۷/۵۰ (۰/۰۰۰)	-۰/۲۳۶۴	-۸/۴۲ (۰/۰۰۰)	LEV _t
-۰/۰۷۲۳	-۱/۱۳ (۰/۲۶۱)	-۰/۰۷۲۷	-۱/۱۷ (۰/۲۴۱)	DCFO * LEV
-۰/۰۶۸۲۱	-۴/۳۷ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۶۸۳۳	-۶/۰۰ (۰/۰۰۰)	CFO * LEV
۰/۸۶۱۹	۱/۰۳ (۰/۳۰۵)	۰/۹۹۳۵	۱/۱۷ (۰/۲۴۴)	DCFO * CFO * LEV
۰/۰۱۵۰	۱/۶۱ (۰/۱۰۸)	۰/۰۱۸۳	۱/۸۷ (۰/۰۶۲)	SIZE _t
۰/۰۱۸۰	۰/۶۵ (۰/۵۱۷)	۰/۰۰۹۳	۰/۳۴ (۰/۷۳۵)	DCFO * SIZE
-۰/۰۶۲۶	-۱/۴۲ (۰/۱۵۷)	-۰/۰۷۵۰	-۱/۷۲ (۰/۰۸۷)	CFO * SIZE
۰/۲۳۲۵	۱/۰۵ (۰/۲۹۴)	۰/۱۹۰۳	۰/۷۶ (۰/۴۴۵)	DCFO * CFO * SIZE
۰/۷۴۹۳	۶۰/۲۴ (۰/۰۰۰)	۰/۷۳۱۲	۷۴/۳۱ (۰/۰۰۰)	آماره F فیشر (احتمال)
۰/۷۴۹۳		۰/۷۳۱۲		ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۰۰۰۰۰۵۳/۸۴		۰/۰۰۰۰۰۵۲/۶۶		آماره chi ² آزمون بروش پاگان (احتمال)
۱/۸۳		۱/۹۳		آماره دورین واتسن

سرانجام جدول ۴ نتایج تحلیل مشابه با استفاده از معیار رابطه بازدهی سهام و سود را نشان می‌دهد. ضریب متغیر $DR * R$ مثبت و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است که نشان‌دهنده گزارشگری محافظه‌کارانه است. در اینحالت نیز با اضافه کردن MW و عبارات مرتبط ضریب تعیین تعدیل شده مدل افزایش می‌یابد. در رگرسیون کامل

ضریب متغیر $DR * R * MW$ مثبت ولی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نیست. مثبت بودن ضریب دلالت بر رابطه منفی میان کیفیت کنترل داخلی و محافظه کاری دارد.

در رابطه با متغیرهای کنترل نتایج کلی قابل استنباط نیست. ضریب $DCFO * CFO * LEV$ موید رابطه مثبت و فاقد معنی داری (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) میان نسبت اهرمی و محافظه کاری است که سازگار با یافته‌های حساس‌یگانه و شهریاری (۱۳۸۹) است. در حالیکه بر اساس مدل‌های اول و سوم، رابطه منفی و فاقد معنی داری میان نسبت اهرمی و محافظه کاری برقرار است. ضریب $DR * R * SIZE$ سازگار با فرضیه‌های تأثیر تجمعی رویدادها (گیوالای و همکاران، ۲۰۰۷) و عدم تقارن اطلاعاتی (لافوندو واتس، ۲۰۰۸) است که بیان می‌کنند در سود گزارش شده توسط شرکت‌های بزرگتر محافظه کاری کمتری لحاظ شده است. یافته‌های پژوهش‌های داخلی نظیر مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) و حساس‌یگانه و شهریاری (۱۳۸۹) نیز موید رابطه منفی اندازه و محافظه کاری است. ضریب $DCFO * CFO * MB_t$ در مدل اول نشان‌دهنده رابطه منفی و معنی دار و ضریب $DCFO * CFO * MB_t$ نشان‌دهنده رابطه منفی و فاقد معنی داری میان محافظه کاری شرطی و غیرشرطی است. این مطلب سازگار با یافته‌های کردستانی و امیریگی لنگرودی (۱۳۸۷) است.

جدول ۴- نتایج رگرسیون با استفاده از معیار مبتنی بر رابطه بازده سهام و سود

رگرسیون پایه		رگرسیون کامل	
ضریب	آماره t (احتمال)	ضریب	آماره t (احتمال)
عرض از مبدا	۰/۸۸۵	۰/۹۴۴	۳/۶۷ (۰/۰۰۰)
	-۰/۱۶۴	-۰/۲۲۴	-۰/۶۴ (۰/۵۲۱)
	-۰/۲۸۳	-۰/۳۱۲	-۲/۲۴ (۰/۰۲۶)
$DR * R$	۰/۳۲۱	۰/۳۴۹	۲/۸۶ (۰/۰۰۴)
MW		-۰/۰۶۰۷	-۰/۹۱ (۰/۳۶۶)
$DR * MW$		۰/۰۵۶۸	۰/۷۱ (۰/۴۷۶)
$R * MW$		-۰/۰۱۵۹	-۰/۴۲ (۰/۶۷۳)
$DR * R * MW$		۰/۰۱۰۹	۰/۲۶ (۰/۷۹۴)
MB_t	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۳۵	۰/۴۲ (۰/۶۷۵)
$DR * MB$	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۴۱	-۰/۴۷ (۰/۶۳۷)
$R * MB$	-۰/۰۰۹۷	-۰/۰۰۸۷	-۰/۹۳ (۰/۳۵۴)
$DR * R * MB$	۰/۰۰۹۴	۰/۰۰۸۲	۱/۵۰ (۰/۱۳۵)
LEV_t	-۰/۷۴۹	-۰/۷۱۴	-۵/۴۶ (۰/۰۰۰)
$DR * LEV$	۰/۰۱۸۹	۰/۰۷	۰/۷ (۰/۹۴۷)
$R * LEV$	-۰/۰۰۹۴	-۰/۰۰۶۶	-۰/۱۰ (۰/۹۲۰)

(۰/۶۶۶) - ۰/۴۳	- ۰/۰۳۸۰	(۰/۶۸۴) - ۰/۴۱	- ۰/۰۳۵۴	$DR * R * LEV$
(۰/۱۲۸) - ۱/۵۲	- ۰/۰۶۵۳	(۰/۱۹۴) - ۱/۳۰	- ۰/۰۵۴۶	$SIZE_t$
(۰/۵۳۹) ۰/۶۱	۰/۰۳۶۳	(۰/۶۶۴) ۰/۴۳	۰/۰۲۵۴	$DR * SIZE$
(۰/۰۲۰) ۲/۳۳	۰/۰۶۰۰	(۰/۰۲۸) ۲/۲۰	۰/۰۵۵۲	$R * SIZE$
(۰/۰۴۱) - ۲/۰۵	- ۰/۰۶۲۸	(۰/۰۲۱) - ۲/۳۲	- ۰/۰۵۸۱	$DR * R * SIZE$
(۰/۰۰۰۰) ۷/۵۷		(۰/۰۰۰۰) ۹/۳۹		آماره F فیشر (احتمال)
۰/۲۰۷۸		۰/۲۰۳۳		ضریب تعیین تعدیل شده
(۰/۰۰۰۰) ۹۵۲/۳۳		(۰/۰۰۰۰) ۹۱۲/۳۸		آماره χ^2 آزمون بروش پاگان (احتمال)
۱/۸۸		۱/۷۹		آماره دوربین واتسن

جدول ۵ نتایج رگرسیون برای آزمون فرضیه ۲ را با استفاده از سه معیار محافظه کاری گزارش می کند. همانطور که پیش از این اشاره شد برای آزمون فرضیه دوم، نمونه مورد بررسی شامل شرکت هایی است که در طول دوره مورد بررسی حداقل یکسال در گزارش حسابرس مستقل آنها به ضعف عمده در کنترل داخلی اشاره شده است. اگر شرکت اقدام به اصلاح ضعف عمده کرده باشد (در گزارش حسابرس مستقل به ضعف عمده در کنترل داخلی اشاره نشده باشد) متغیر مجازی $FIXED$ عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر می گیرد. به منظور خلاصه کردن نتایج در رابطه با متغیرهای کنترل، فقط متغیرهای حاصلضرب سه عامل در جدول گزارش شده است. ستون ۱ نشان می دهد که ضریب $FIXED * \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1}$ منفی و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. این بدین معنی است که شرکت های دارای ضعف عمده که این ضعفها را اصلاح کرده اند، محافظه کاری بیشتری نسبت به شرکت هایی دارند که گزارش حسابرس مستقل آنها همچنان شامل ضعف عمده است. نتایج بر اساس دو معیار دیگر محافظه کاری در تضاد با این یافته است. ضرایب متغیرهای $DCFO * CFO * FIXED$ و $DR * R * FIXED$ در ستونهای دوم و سوم منفی ولی معنی دار نیست. لذا ارتباط میان کیفیت کنترل داخلی و محافظه کاری بر اساس معیار مبتنی بر تغییرات سود مثبت و معنی دار در حالیکه بر اساس معیارهای مبتنی بر ارقام تعهدی و رابطه بازدهی سهام و سود این رابطه منفی ولی معنی دار نیست.

جدول ۵- نتایج رگرسیون فرضیه ۲

معیار مبتنی بر تغییرات سود		معیار مبتنی بر ارقام تعهدی		معیار مبتنی بر رابطه بازده و سود	
۲۷۶ شرکت - سال		۲۷۶ شرکت - سال		۲۷۶ شرکت - سال	
$A=D\Delta NI_{t-1}$ $B=\Delta NI_{t-1}$		$A=DCFO$ $B=CFO$		$A=DR$ $B=R$	
متغیرها	ضریب	احتمال آماره t	ضریب	احتمال آماره t	ضریب
عرض از مبدا	۰/۰۴۱۵۲	۰/۷۶	۰/۱۵۶۸	۰/۲۴	- ۰/۱۸۵
A	۰/۰۲۲۷۵	۰/۸۴	- ۰/۰۸۵	۰/۶۹	- ۰/۴۹۵
B	۱/۲۶۷۷	۰/۰۱	- ۰/۰۷۳	۰/۰۳۶	۰/۲۲۸

۰/۸۸	۰/۵۶۰	۰/۰۲	۱/۵۱۲	۰/۹۱	۰/۳۲۱۶	A*B
۰/۷۹	۰/۰۳۱۴	۰/۴۰	۰/۰۲۷۶	۰/۳۸۶	۰/۰۱۱۸	FIXED
۰/۵۲	۰/۱۸۲۲	۰/۰۰	۰/۱۸۶۲	۰/۷۱	۰/۰۴۵۲	A*FIXED
۰/۲۹	-۰/۰۱۵۹	۰/۹۷	۱/۰۳۳۱	۰/۱۸	-۰/۳۲۱۹	B*FIXED
۰/۱۶	-۰/۰۱۰۹	۰/۶۳	-۰/۴۷۸۲	۰/۰۴۱	-۰/۳۹۴۷	A*B*FIXED
۰/۶۳	۰/۰۰۵۴	۰/۸۳	-۰/۰۰۵۹	۰/۰۳۶	۰/۱۴۱۷	A*B*MB
۰/۰۰	-۰/۰۳۸۰	۰/۲۳۱	۰/۷۳۹۱	۰/۰۰۰	۰/۹۲۴۸	A*B*LEV
۰/۴۵	-۰/۰۶۲۸	۰/۰۰	۰/۲۳۲۵	۰/۳۷	-۰/۲۲۶۱	A*B*SIZE
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	احتمال آماره F فیشر
۰/۱۶	۰/۵۳	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	ضریب تعیین تعدیل شده

۸. بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش ارتباط میان کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی در قالب دو فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. هر یک از دو فرضیه با استفاده از سه معیار محافظه‌کاری بصورت جداگانه مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه اول بر اساس هر سه معیار محافظه‌کاری نشان می‌دهد کیفیت کنترل داخلی قدرت توضیحی فزاینده برای سطح محافظه‌کاری شرکت‌ها فراهم می‌کند. یافته‌های پژوهش بر اساس معیار مبتنی بر تغییرات سود نشان‌دهنده ارتباط مثبت میان کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی است. به این معنی که شرکت‌هایی که در گزارش حسابرس مستقل آنها ضعف عمده گزارش شده محافظه‌کاری شرطی کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها (بدون ضعف عمده) دارند و شرکت‌هایی که ضعف عمده در کنترل داخلی را اصلاح کرده‌اند محافظه‌کاری بیشتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که ضعف عمده را اصلاح نکرده و گزارش حسابرس مستقل آنها همچنان نشان‌دهنده وجود ضعف عمده است. لذا بر اساس معیار اول محافظه‌کاری، کنترل داخلی موثر بعنوان مکانیسم تسهیل‌کننده محافظه‌کاری عمل می‌کند. این مطلب سازگار با چارچوب نمایندگی تئوری حسابداری اثباتی است که محافظه‌کاری را بعنوان یک مکانیسم راهبری و نظارتی معرفی می‌کند (واتس ۲۰۰۳، بال و شیواکومار ۲۰۰۵). نتایج پژوهش بر اساس معیارهای مبتنی بر اقلام تعهدی و رابطه بازدهی سهام و سود برخلاف یافته‌های فوق است. ارتباط معکوس میان کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی بر اساس این دو معیار، می‌تواند موید دیدگاه مقابل حسابداری اثباتی برای محافظه‌کاری باشد. یافته‌های این پژوهش ادبیات مرتبط با تأثیر کنترل‌های داخلی قوی در مقابل ضعیف و تأثیرپذیری محافظه‌کاری از محیط قراردادی و راهبری شرکتی را گسترش می‌دهد.

۹. محدودیت‌های پژوهش

در انجام پژوهش حاضر محدودیت‌هایی به شرح زیر وجود داشته است:

۱. اولین محدودیت، سوگیری در شناسایی ضعف‌های عمده در سیستم کنترل داخلی است. همانگونه که بیان شد در دوره مورد بررسی پژوهش قانون مدونی در رابطه با گزارشگری ضعف‌های کنترل داخلی وجود نداشت بنابراین علیرغم سعی برای حداقل سازی سوگیری، نتایج ممکن است تحت تاثیر قرار گرفته باشد. از جمله عوامل تأثیرگذار در این حوزه، اندازه موسسه حسابرسی و درجات متفاوت پذیرش ریسک توسط آنهاست. بدین معنی که موسسات حسابرسی بزرگتر عموماً ریسک بیشتری را می‌پذیرند لذا ممکن است ضعف‌های کنترل داخلی که بر اساس دیدگاه یک موسسه حسابرسی کوچکتر عمده تلقی می‌شود طبق نظر موسسات بزرگتر عمده نبوده و نیازی به درج آن در گزارش حسابرس مستقل نباشد.

۲. نبود داده‌های مورد نیاز و قابل اتکا برای محاسبه متغیرهای پژوهش، موجب حذف آنها از نمونه آماری شد که این امر بر قابلیت تعمیم نتایج به جامعه آماری تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر بدلیل لحاظ نکردن شرکتهای غیربورسی در نمونه پژوهش این نتایج در خصوص آنها مصداق ندارد.

۱.۰ پیشنهادهای پژوهش

۱.۱.۰ پیشنهادهای کاربردی پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش و تأیید وجود رابطه مستقیم بین کیفیت کنترل‌های داخلی و محافظه‌کاری شرطی (بر اساس یکی از سه معیار مورد استفاده در پژوهش)، موضوع کیفیت کنترل‌های داخلی و گزارشگری در این خصوص باید بیش از پیش مورد توجه مقررات‌گذاران قرار گیرد. بعلاوه به سرمایه‌گذاران نیز پیشنهاد می‌شود بعد از اجرایی شدن دستورالعمل کنترل‌های داخلی، برای ارزیابی گزارشگری محافظه‌کارانه شرکت‌ها، گزارش کنترل‌های داخلی آنها را مورد مطالعه قرار دهند.

۲.۲.۰ پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱. همانگونه که ذکر شد یک محدودیت عمده در پژوهش حاضر فقدان قانون مدون در زمینه کنترل‌های داخلی بود، بر این اساس پیشنهاد می‌شود بعد از اجرایی شدن دستورالعمل کنترل‌های داخلی، محققین ارتباط میان کنترل‌های داخلی تحت این قانون را با محافظه‌کاری و با سایر متغیرهای حسابداری مورد بررسی قرار دهند.

۲. محدودیت دیگر تعداد کم مشاهدات بود، برای رفع این محدودیت در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود ارتباط محافظه‌کاری و کنترل داخلی در دوره‌های زمانی طولانی‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

۳. پژوهش حاضر اثرات تعدادی از متغیرهای کنترلی مهم در رابطه بین محافظه‌کاری و کنترل داخلی را کنترل نمود، با توجه به اثرگذار بودن نوع موسسه حسابرسی و چرخش حسابرس در طول دوره مورد بررسی پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی اثر این عوامل کنترل گردد.

۴. تحقیقات در زمینه کنترل‌های داخلی در کشور ما نوپاست، با توجه به اهمیت کنترل داخلی پیشنهاد می‌شود عوامل موثر بر کیفیت آن در تحقیقات آتی مورد مطالعه قرار گیرد.

۱. Holthausen and Watts
۲. Ball and Shivakumar
۳. Ahmed et. al
۴. Zhang
۵. Goh and Li
۶. Fama and Jensen
۷. Doyle et. al
۸. Ashbaugh-Skaife et. al
۹. Beneish et. al
۱۰. Feng et. al
۱۱. Basu
۱۲. Levitt
۱۳. Penman and Zhang
۱۴. Givoly et al
۱۵. LaFond and Watts

منابع و مأخذ:

۱. بنی‌مهد، بهمن و ته‌مین‌ه باغبانی. (۱۳۸۸). «اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها». *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۱۶ (۵۸)، تهران.
۲. حساس‌یگانه، یحیی، علیرضا شهریار. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران». *پژوهش‌های حسابداری مالی*. ۴، تهران.
۳. کردستانی، غلامرضا و حبیب‌امیری لنگرودی. (۱۳۸۷). «محافظه‌کاری در گزارش‌گری مالی، بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری». *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۵، تهران.
۴. مهرانی، کاوه، جلال وافی‌ثانی و محمد حلاج. (۱۳۸۹). «رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شرکت با محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۱ (۵۹)، تهران.
۵. Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M. and Stanford-Harris, M. (۲۰۰۲). «The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs». *The Accounting Review*. ۷۷(۴), pp. ۸۶۷-۸۹۰.
۶. Ashbaugh-Skaife, H., D. Collins, and W. Kinney. (۲۰۰۷). «The discovery and reporting of internal control deficiencies prior to SOX-mandated audits». *Journal of Accounting and Economics*. ۴۴, ۱-۲: ۱۶۶-۱۹۲.
۷. Basu, S. (۱۹۹۷). «The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings». *Journal of Accounting & Economics*. No۲۴, PP.۳-۳۷

۸. Ball, R., and L. Shivakumar. (۲۰۰۵). «Earnings Quality in U. K. Private Firms». *Journal of Accounting and Economic*. ۳۹: ۸۳-۱۲۸.
۹. Beneish, M. D., M. Billings, and L. Hodder. (۲۰۰۸). «Internal control weaknesses and information uncertainty». *The Accounting Review*. ۸۳, ۳: ۶۶۵-۷۰۳.
۱۰. Goh, B. W. and Li, D. (۲۰۱۱). «Internal Controls and Conditional Conservatism». *The Accounting Review*. ۸۶, ۳: ۹۷۵-۱۰۰۵.
۱۱. Doyle, J., W. Ge, and S. McVay. (۲۰۰۷). «Accruals quality and internal control over financial reporting». *The Accounting Review*. ۸۲, ۵: ۱۱۴۱-۱۱۷۰.
۱۲. Fama, E. F., and M. C. Jensen. (۱۹۸۳). «Separation of ownership and control». *The Journal of Law & Economic*. ۲۶, ۲: ۳۰۱-۳۲۵.
۱۳. Feng, M., C. Li, and S. McVay. (۲۰۰۹). «Internal control and management guidance». *Journal of Accounting and Economics*. ۴۸, ۲-۳: ۱۹۰-۲۰۹.
۱۴. Givoly, D., C. Hayn and A. Natarajan. (۲۰۰۷). «Measuring reporting conservatism». *The Accounting Review*. ۸۲: ۶۵-۱۰۶.
۱۵. Holthausen, R. W., and R. L. Watts. (۲۰۰۱). «The relevance of value-relevance literature for financial accounting standard-setting». *Journal of Accounting and Economics*. ۳۱, ۱-۳: ۳-۷۵.
۱۶. LaFond, W., and R. L. Watts. (۲۰۰۸). «The information role of conservatism». *The Accounting Review*. ۸۳, ۲: ۴۴۷-۴۷۸.
- Levitt, A. (۱۹۹۸). «The numbers game. Remarks delivered at the NYU Center for Law and Business». New York, NY, September ۲۸.
۱۷. Penman, S., and X. Zhang. (۲۰۰۲). «Accounting conservatism, the quality of earnings and stock returns». *The Accounting Review*. ۷۷, ۲: ۲۳۷-۲۶۴.
۱۸. Watts, R. L. (۲۰۰۳). «Conservatism in accounting part ۱: Explanations and implications». *Accounting Horizons*. ۱۷, ۳: ۲۰۷-۲۲۱.
۱۹. Zhang, J. (۲۰۰۸). «The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers». *Journal of Accounting and Economics*. ۴۵, ۱: ۲۷-۵۴.

Quality of Internal Controls and Conditional Conservatism in TSE

Manizheh Ramsheh *

Faculty of Islamic Azad University, Fereydan Branch
and PHD Student of Alzahra University

Dr Seyed Hossein Alavi Tabari

Associate Professor of Alzahra University

Gharibe Esmaili kia

PHD student of alzahra university

Abstract

Conflict of interest between managers and stockholders create need to corporate governance. Internal controls take as important tool for improvement of corporate governance. Conservatism also as internal control has multi governance benefits. This study examines the relation between internal controls and conditional conservatism in Tehran Stock Exchange. Three criteria are used to measure accounting conservatism contain of persistence of earnings changes, accrual-based loss recognition and timeliness of earnings to news. The sample containing ۷۱۸ observations (firm-years) over the period ۱۳۸۵ –۱۳۹۰. For hypothesis testing, this study uses multivariable regressions for pooled data. The results based on the first criterion of conservatism, suggest a positive relation between internal control quality and conservatism. This means that, firms with material weaknesses exhibit lower conservatism than firms without such weaknesses. However based on other conservatism criteria, did not confirm this relationship. So, the relationship between the quality of internal controls and conditional conservatism can not be inferred.

Keywords: Internal Controls, Conditional Conservatism, Material Weaknesses.